



یادداشت‌های سفر اصفهان (در سال ۱۳۰۳)، علی جواهر کلام، به کوشش عبدالمهدی رجایی، نشر مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۹۱.

جوانی پر شور، اهل قلم و البته به سال ۱۳۰۳ ش مأمور گمرگ خوزستان می‌شود و از اتفاق راه اصفهان را برای رفتن به مقصد انتخاب می‌کند. اما همین که به اصفهان می‌رسد متوجه می‌شود به خاطر نا امنی راه بسته شده و مجبور است مدتی را در این شهر بگذراند. از اتفاق دیگر این که خاندان پراوازه وی اهل همین شهر بوده اند، پس علاقه ای دو چندان وی را به ماندن و تحقیق راجع به اصفهان و مردمش تشویق می‌کرد. علی جواهر کلام جوان کنجاو سال ۱۳۰۳، حدود نیم قرن بعد به سال ۱۳۵۴ به خواهش دوستش امیرقلی امینی، به تدوین خاطرات آن ایام مبادرت کرده و قسمت به قسمت آن‌ها را برای چاپ به روزنامه محلی «اصفهان» ارسال می‌داشت. حاصل آن تصویر هایی است جذاب و دلپذیر که از اصفهان و مردمش در آغاز قرن حاضر برای ما برجا مانده است.

شهر اصفهان با وجود پیشینه فرهنگی و مردمان اهل قلم بسیار، به لحاظ داشتن خاطرات مردم شناختی و البته شهرشناسی، نسبت به بسیاری شهرهای دیگر چندان غنی نیست. خصوصاً دوره ای که علی جواهر کلام به این شهر قدم می‌گذارد، درست لحظه ای است که هنوز طوفان مدرنیسم عصر رضا شاهی بر شهر وزیدن نگرفته است. به لحاظ کالبد شهری همان است که جوان صاحب منصب اداره نظمیه اصفهان به سال ۱۳۰۲ ش نقشه آن را بر کاغذ آورده و خوشبختانه در دسترس ما قرار دارد.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر هنوز ادارات و مؤسسات عمومی، زندگی اجتماعی مردم را تحت تأثیر خود قرار نداده و اجتماع در «عصر قدیم» به سر می‌برد. باید متذکر شویم که پس از این زمان است که اداره بلدییه اصفهان شروع به خیابان کشی و تغییر بافت شهری نمود و سیمای اصفهان به کلی دگرگون گردید.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - این نقشه که یکی از اسناد بسیار مهم این شهر است، به سال ۱۲۶۳ توسط مؤسسه جغرافیایی سحاب عیناً چاپ عکسی شد و در سال ۱۳۸۶ به دست عبدالله شاه سیاه روان خوانی شده و توسط مؤسسه جغرافیایی ارتش به چاپ رسید.

<sup>۲</sup> - برای اطلاعات بیشتر از تغییرات سیمای شهری اصفهان در دوره رضا شاه رک: عبدالمهدی رجایی، تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول، سازمان رفاهی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۷

اهمیت ویژه این کتاب نگاه دقیق و تیزبین مردم شناختی آن است. نویسنده اثر با اینکه میهمان چند روزه و موقتی این شهر بوده، اما چنان با مردم و آداب و رسوم آنها عجین می شود که گویی با آنها سال ها زیسته است. چنان که با جماعتی به منارجنبان می رود و فردا شب آن نیز با جماعتی دیگر برای شب نشینی و بساط سور بر غرفه های سی و سه پل قرار می گذارد. سری به حمام شیخ بهایی می زند و مفصل آنچه را دیده تعریف می کند، بعد نماز جمعه را در مسجد جامع عباسی برگزار می کند و عده نمازگزاران را می شمارد. به زیارت قبر بابا علمدار می رود و برای دیدار امام زاده شاهزاده حسین، که نور باران شده، می شتابد. از جلفا و همشهریان ارمنی و اوضاع آنها بسیار سخن می گوید.

در این میان هنر نویسنده آن است که در روابط و مناسبات مردم اصفهان دقیق شده، نکات قابل تأمل بسیاری را باز می گوید تا آنجا که می توان گفت سفرنامه علی جواهر کلام بیش از آنکه به شرح و توصیف بناها و مناظر بپردازد، نگاهش را به مردم اصفهان - خصوصاً طبقات پایین - روابط آنها را با یکدیگر و خورد و خوراک آنها دوخته است و از این جهت خواندنی و منحصر به فرد به نظر می رسد.

از همین زاویه چندین موضوع اجتماعی متداول در آن دوران مانند استعمال مواد مخدر و یا مصرف مشروبات الکلی نیز در این خاطرات به چشم می خورد که باید در نظر داشت این معضلات، جزوی از زندگی اجتماعی مردم آن روزگار بوده اند. از سوی دیگر بعضی نظرات غیر معروف و قابل تأمل در این کتاب ابراز شده که به دلیل امانت داری در کتاب آمده اند. اگرچه گاه با پاورقی به اصطلاح آنها اقدام کرده ام اما خوانندگان گرامی خود قادر به تشخیص صواب از خطا هستند.